

# «آکوپولکو»

# زیباترین شهر خطرناک دنیا

آکوپولکو شهری ساحلی و زیبا در مکزیک است که به خاطر آدمربایی، قتل و تقابل خشن کارتل‌های مواد مخدر جزو ناامن‌ترین شهرهای دنیاست و در حومه آن دختران برای حفظ امنیت‌شان تا سال‌ها با هویت پسرانه زندگی می‌کنند

سیدمصطفی صابری | روزنامه‌نگار

پرونده

در ظاهر همه چیز کوهستان‌های اطراف آکوپولکورویایی و زیباست، ارتفاعات حومه شهری گردشگری که مهم‌ترین شهر ایالت گوئررواست؛ شهری که مناظرش روبه اقیانوس آرام است و کوه‌هایش همیشه سبز، جایی میان درخت‌های میوه گران‌قیمت پاپایا که در دنیا طرفداران زیادی دارد و فقط ثروتمندان کشورهای دیگر قدرت خریدش را دارند؛ اما بچه‌های این کوهستان برای لذت بردن از آن کافی است کمی دست‌شان را دراز کنند. کوهستانی با شب‌هایی گرم، جایی که حیواناتی چون ایگوانا دارد که آن‌هم مثل پاپایا، در کشورهای دیگر مختص ثروتمندان است اما در کوه‌های اطراف آکوپولکو مثل پرند و گربه در اطراف خانه‌ها دیده می‌شود. جایی که فاصله کمی تا یکی از باشکوه‌ترین سواحل دنیا دارد؛ مناظر زیبا، مردمانی خونگرم، منابع زیادی و... به نظر می‌رسد زندگی در چنین جایی در حومه آکوپولکو لذت‌بخش باشد؛ اما این طور نیست، به‌خصوص برای دختران. آرایشگاه‌زنانه بدترین انتخاب برای کسب و کار در این کوهستان است؛ چون دختران تا نوجوانی موهای‌شان را به جای آرایشگاه در خانه کوتاه می‌کنند؛ دندان‌ها را حتی اگر سالم باشند با انواع تر قندها زشت و خراب جلوه می‌دهند و لباس‌هایی می‌پوشند و از اسامی استفاده می‌کنند که هیچ‌کس نداند دختر هستند؛ مبادا توسط کارتل‌های مواد مخدر و فحشا یا آدمربا یان ربوده شوند. با این حال خیال بسیاری از خانواده‌ها راحت نیست و کنار بسیاری از خانه‌ها یک دخمه یا سوراخ کوچک داخل زمین یا بین درختان قرار دارد تا به وقت لزوم دختران را مخفی کنند. در پرونده امروز زندگی سلام از آکوپولکو می‌گوییم؛ شهری که بین مقاصد گردشگری معروف دنیا ناامن‌ترین‌شان محسوب می‌شود و به‌خصوص مردمرنج‌زادی را برای زندگی در حاشیه‌ان تحمل می‌کنند.

### از بندری زیبا تا ترسناک‌ترین شهر جهان

ایالت گوئررو مکزیک در نزدیکی ساحل اقیانوس آرام است؛ ایالتی که به‌خاطر بنادرش از دوران استعمار نقش مهمی در اقتصاد این کشور دارد و شهر گردشگری آکوپولکو را در خود جای داده، کشتی‌های تفریحی و تجاری از پاناما و آمریکاسمت آکوپولکو می‌آیند اما آن‌چه طی چند دهه اخیر باعث شهرت این شهر شده جنگ کارتل‌های مواد مخدر است. کارتل‌هایی که برای ترانزیت به بازار بزرگ چند کشور دیگر مواد تولید می‌کنند و برای همین با خشونت محض در رقابت با هم هستند. حجم خشونت در این شهر چنان بالاست که چند کشور، شهروندان خود را از سفر به آن‌جا منع کردند و آکوپولکوی زیبا و دوست‌داشتنی را در دیف کشورهای در حال جنگ گذاشته‌اند. شهری که فقط ۵ درصد مرد آن در حال کشاورزی هستند. آدمربایی برای فحشا، تجارت اعضای بدن و باج‌گیری در آن بیداد می‌کند. برای همین خیلی از خانواده‌های متمول در آن محافظ دارند. سال‌ها قبل دولت مکزیک سعی کرد به‌خاطر ظرفیت بالایی که این شهر برای جذب گردشگر دارد طرح‌هایی را اجرا کند که طی آن‌ها رویکرد مردم دنیا به آکوپولکو عوض شود. اما هرچه سعی کرد به در بسته خورد. در شهری که حتی گردشگران از خطر آدمربایی در امان نیستند و به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر ۱۰۴ نفر در سال کشته می‌شوند هرچه قدر هم شهر زیبا باشد؛ کمتر گردشگری جرئت سفر به آن را دارد. افول شهر از دهه ۹۰ میلادی و با گردش مالی بالای تجارت مواد آغاز شد. زمانی که امپراتوری کارتل‌های کلمبیایی مثل پابلواسکوبار در حال افول بود و باز به سمت مکزیک آمده بود.

شبیه شهرهای توی قصه‌ها



پویانمایی‌های قدیمی را به‌خاطر دارید که قصه‌شان در شهرهایی خوش‌رنگ، با قلعه‌های زیبا، میدان‌های پررفت و آمد که وسطش حوض بود و فروشده و دوره گرد می‌گشت؟ شبیه خیلی از شهرهای ایتالیا که جاده‌ها در امتداد ساحل قرار دارند و هویت

### شهری که دخترانش پسر می‌شوند

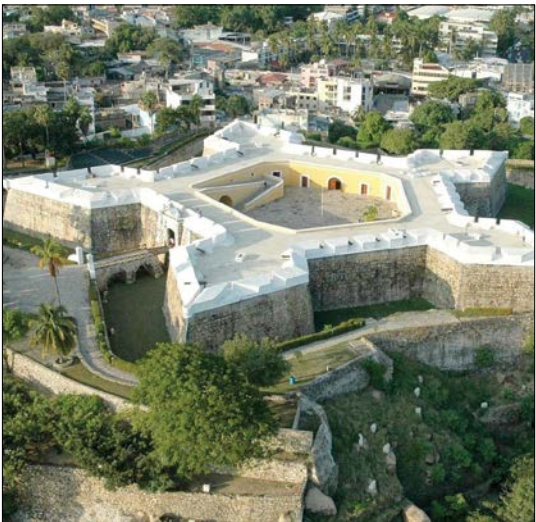
رمان «دعا برای ربوده‌شدگان» اثر جنیفر کلمنت که در کشورمان توسط نشر «چشمه» و با ترجمه «میچکا سرمدی» منتشر شده، روایتی است تکان‌دهنده از زندگی مردم فقیر در کوهستان‌های حومه «آکوپولکو». جنیفر کلمنت از آن نویسنده‌هایی است که معتقدند می‌توان با ادبیات دنیا را به جای بهتری تبدیل کرد و رمانش هم در همین مسیر گام برداشته. رمانی که مثل یک پتک حقایقی تلخ را به دیوار ذهن مخاطب می‌کوبد و از لایه ضخیم‌ترین احساسات رد می‌شود. در ادامه با این اثر آشنا خواهیم شد.

**دختری باهوش با لباس پسرانه**

شخصیت اصلی رمان «دعا برای ربوده‌شدگان» لایددی گارسایاست؛ دختری باهوش، بازمه، خوش صحبت و کنجکاو که در روستایی فقیر زندگی می‌کند. روستای آن‌ها در کوهستان حومه آکوپولکو قرار دارد؛ جایی که در گوشه و کنارش مواد مخدر کشت می‌شود. مردهای روستا برای دسترسی به فرصت‌های شغلی ترک دیار کردند و بیشتر اهالی فقط زن هستند و بی‌دفاع. جنیفر کلمنت تلاش کرده ضمن افزودن عناصر دراماتیک و شخصیت‌پردازی به نحوی که مخاطب را همراه و همدل کند؛ روایتش بدون اغراق واقعیت زندگی مردم آن منطقه را بیان کند. جایی که زیباترین دختران مکزیک دندان‌ها را با واکس و مایک سیاه می‌کنند؛ موها را کوتاه نگه می‌دارند؛ حتی اسامی پسرانه دارند تا توسط تبهکارانی که گاه و بیگاه به روستا حمله می‌کنندربوده نشوند.

**روستایی بدون پزشک و امکانات**

روستایی که لایددی و مادرش در آن زندگی می‌کنند هیچ امکاناتی ندارد؛ تنها چیزی که آن‌ها را به دنیای بیرون وصل می‌کند



**کلیسایی از دل تاریخ**

یکی از نمادهای معماری آکوپولکو کلیسای جامعی است که توسط فردیکو ماریسکال ساخته شده و چند سبک معماری را با هم تلفیق کرده است. کلیسایی با قدمت زیاد که مثل کلیساهای اروپایی مرموز و مثل سازه‌های آمریکای جنوبی باشکوه و خونگرم است. اما فقط این کلیسا نیست که زیبایی‌اش را به رخ گردشگران می‌کشد. میدان مرکزی آکوپولکو در مکزیک نمونه است. مکزیک را با میدان‌های معروفش که انسان محور هستند می‌شناسند و این که در چنین کشوری یک میدان خاص تلقی شود، بیانگر بی‌همتا بودن آن است. میدانی که به زو کالو معروف است، پراز درخت، واکسی، بشمک فروش، بادکنک فروش، شادی، موسیقی و غذای خیابانی و... است؛ اما آکوپولکو تمام این‌ها هست و فقط این‌ها نیست به‌خصوص که طی یک دهه اخیر بایکرمان به دنیا معرفی شد یعنی «دعا برای ربوده‌شدگان». رمانی که توجه دنیا را به زندگی مردم این شهر جلب کرد.

می‌خواهند روزهای خوبی را در پس اتفاقات زشت تجربه کنند و به آینده خوش‌بین هستند. لحن کتاب کمدی سیاهی است که موقعیت‌های متناقضی را ایجاد می‌کند. اما این دنیای تازه بهر احتی ر قم نمی‌خورد. آن‌هم نه وقتی که کارتل‌های مواد مخدر بهر احتی جنایت می‌کنند. آن‌ها زنان و دختران جوان را می‌دزدند. به‌خانه‌های بزرگ می‌برند و از آنان به‌عنوان برده استفاده می‌کنند. حتی گاهی روی آن‌ها دام می‌زند تا مشخص باشد متعلق به چه کسی هستند. طبیعت زیبای اطراف، هوای خوب و مرطوب هیچ کدام برابر این حجم از تباهی امکان مبارزه ندارد و رویاهای این کودکان یکی پس از دیگری تباه می‌شود. این رمان هر چند تلخ است اما خواندنش با گوش سپردن به نسخه صوتی آن می‌تواند افق دید شما را نسبت به دنیای پیرامون تغییر دهد. داستانی که مضامین انسانی قدرتمندی دارد، احساسات مخاطب را درگیر می‌کند، گره‌افکنی موفقی دارد؛ گاهی جنایی و گاهی عاشقانه می‌شود و توصیف‌هایش هم شگفت‌انگیز است. این رمان با باز خورد جهانی موفقش توانست رنج مردم حومه آکوپولکو را به دنیا نشان دهد تا شاید در ادامه روزگار بر آن‌ها بهتر بگذرد.



برنامه‌های ماهواره‌ای است که تفاوت‌های عجیب دنیای بیرون از کوهستان را به رخ آن‌ها می‌کشد. روستا مرکز درمانی ندارد و بچه‌هایی که بیماری دارند باید ثبت‌نام کنند تا در سرکشی‌های گاه و بیگاه کادر درمان ویزیت شوند. پزشکان با اسکوتر ارتش به آن منطقه می‌روند. دولت که بودجه‌ای سنگین برای سم‌پاشی مزارع تولید مواد افیونی خرج می‌کند نظارتی روی روند این موضوع ندارد و برای همین خلبانان هواپیماهای سم‌پاش برای آن که با مخزن خالی به‌آشیا نه برگردند، سم‌ها را روی روستاها می‌ریزند و برای همین جان بچه‌هایی که مدرسه می‌روند در خطر جدی است. اما این تمام مشکل آن‌ها نیست.

**دنیایی تازه برای لایددی**

لایددی و دوستانش در عالم کودک

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

دوشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۳

۳ ذی الحجه ۱۴۴۵ • ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴

شماره ۳۱۵۱۰

۲۷۲۹

### مکزیک پایتخت وحشت جهان

با اوصافی که شنیدید شاید تصور کنید آکوپولکو خطرناک‌ترین شهر مکزیک باشد در حالی که این طور نیست و این شهر فقط به‌خاطر تضاد تلخی که بین زیبا بودن و جرم‌خیز بودنش هست معروف شده و از طرفی چون جزو مقاصد گردشگری محسوب می‌شود و قتل و ربودن یک گردشگر خارجی هم باز تاب زیادی دارد نام این شهر در دنیا خیلی پیچیده. اما شهرهای دیگری در این کشور مثل خالاپا و کولیاکان هستند که در مقطعی ممکن است اوضاع بسیار وخیم‌تری را تجربه کرده باشند چون کارتل‌های قدرتمندتری در آن‌ها فعال بوده و هستند که به معرفی‌شان می‌پردازیم.

**کارتل خلیج و لوس زتاس**



شهر خالاپایی از نگون‌بخت‌ترین شهرهای دنیاست؛ شهری که در دهه ۹۰ میلادی ۳۰ افسر اخراجی یگان ویژه مکزیک در آن کارتل به نام گلف (خلیج) را ایجاد کردند؛ بایک شاخه نظامی خشن به نام لوس زتاس. اما حدود ۲۰ سال بعد لوس زتاس از خلیج جدا شد و دنبال دشمنی که بین آن‌ها برای تصاحب بازار وجود داشت جنگی در گرفت که شهر را ناامن کرد. خشونت هر دو کارتل مهار نشده و عجیب است. آن‌ها برای ارباب مردم، پلیس و سیستم قضایی، بدترین جنایت‌ها مثل قتل عام، سلاخی و اعدام گروهی مخالفان و حتی خانواده‌های آن‌ها مرتکب می‌شوند. حتی باخشن‌ترین شکل نیروهای کارتل رقیب را در زندان سر به نیست می‌کنند و نیروهای خودی را نجات می‌دهند.

**کارتل سینالوا**



به تازگی کارتل در ایالت سینالوا و شهر کولیاکان قرار دارد؛ همان کارتل‌ی که ال چاپو یکی از بزرگ‌ترین قاچاقچی‌های تمام‌دوران‌ها آن را ایجاد کرد و بعدها توسط نزدیکان او اداره شد. کارتل او در بیش از ۵۰ کشور دنیا، به‌خصوص شهرهای آمریکای نفوذ داشت و با انواع روش‌ها مثل هوایی، دریایی و... به ترانزیت مواد مشغول است. کارتل‌ی که غیر از مواد در پولشویی، قاچاق اسلحه، قتل، آدمربایی، رشوه و... هم فعال است و در حال حاضر معروف‌ترین کارتل دنیا محسوب می‌شود. شاید خود پابلواسکوبار قاچاقچی معروف کلمبیایی یا حتی کارتل رقیبش کارتل کالی را بتوان در زمان خودشان بزرگ‌دانش، اما هر دو با دستگیری نفرت اصلی از هم پاشیدند اما کارتل سینالوا سازمان‌دهی عجیبی دارد که حتی با دستگیری ال چاپو هم از قدرتش کاسته نشد. ال چاپو که به آن قد کوتاهش نمی‌آید جزو بزرگ‌ترین جنایت‌کاران تاریخ باشد در سال ۱۹۹۳ دستگیر شد؛ اما سال ۲۰۰۱ به روشی عجیب از زندان فرار کرد. او برای فرار از یک زندان فوق‌امنیتی نقشه‌ای سخت و پرهزینه کشید. دوستانش یک ونیم کیلومتر آن طرف‌زدان زمینی را خریده و مشغول ساخت و ساز شدند؛ در حالی که این ظاهر ماجرا بود و آن‌ها در حال حفر تونلی بزرگ بودند که ۱/۵ کیلومتر طول و در تمام مسیر ۱۷۰ سانتی‌متر ارتفاع و ۸۰ سانتی‌متر عرض داشت. تمام این مسیر تپه‌ویه و سیستم روشنائی داشت. حتی برخی امکانات رفاهی هم در آن تهیه شده بود. او با استفاده از این تونل و البته کمک برخی عوامل زندان موفق به فرار و اختفا شد تا این که سال ۲۰۱۴ با دستگیری یکی از محافظانش، مخفیگاهش لو رفت و این بار به آمریکا تحویل داده شد. او بعد از دستگیری دوم با شان‌پن بازیگر معروف آمریکایی یک مصاحبه انجام داد.